

توریسم و گردشگری از منظر فقه و حقوق

سعید شیخ^{۱*}، رامین نیکخو^۲، نوشین لقمانی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران saeed.sheykh86@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه اشرافی اصفهانی

چکیده

قرآن کریم، در بسیاری از آیات مسلمانان را به سیر و سیاحت و گردشگری در زمین با اهداف روشن فرا خوانده است. پیشوایان دین نیز، با الهام از آموزه های وحی، گردشگری را با عبارت های گوناگون ستوده اند و پیروان خود را به سیر و سیاحت و بهره گیری از مواهب آن تشویق نموده اند. فقهای اسلام نیز با توجه به دستاوردهای بلند و سازنده سیر و سیاحت به آن اهمیت ویژه داده اند و بر این باورند که شناخت انسان از هستی و آشنایی با اقوام و گروه های گوناگون در پرتو سیر و سیاحت میسر است. از این رو در این مقاله ابتدا به معنا و مفهوم گردشگری، واژه شناسی، طرح مسئله و پیشینه گردشگری پرداخته شده است و سپس آیات قرآن که در مورد سیر و سیاحت آمده اند مورد بررسی قرار گرفته شده و آیات با سیاق دستوری و سیاق عتابی جداگانه آورده شده است و سپس به بررسی گردشگری از دیدگاه معصومین(ع) و سیره آنان در برخورد با گردشگران پرداخته شده و بعد از آن مسائل فقهی گردشگری و همچنین گردشگری در کشورهای اسلامی، حقوق گردشگران غیر مسلمان در کشورهای اسلامی و برخی دستاوردهای گردشگری بیان شده است و در آخر از مباحث مطرح شده نتیجه گیری شده است.

کلید واژه: سیاحت، سیر، گردشگر، سائح، گردشگران غیرمسلمان

مقدمه

گردشگری و مسافرت به سرزمین ها و مکان های تاریخی و دیدن جلوه ها و جاذبه های طبیعی ، پیشینه ای بسیار طولانی دارد و نمی توان برای آن سرآغازی تاریخی در نظر گرفت ولی آغاز پیدایش گردشگری و توریسم، به عنوان صنعتی در آمدزا و اشتغال آفرین را باید در چند سده ی اخیر جستجو کرد.

در منابع استنباط و متون فقهی پیشینیان نیز، نص و عبارتی ناظر به گردشگری به عنوان یک صنعت و به گونه ای که امروز مطرح است یافت نمی شود. آنچه در کتب و سنت در پیوند با این موضوع دیده می شود تنها ناظر به اصل گردشگری و آثار و فایده های معنوی و گاهی مادی آن است از این رو باید صنعت گردشگری را از منظر فقه، از مباحث نو و مسائل مستحدثه و جدید فقهی دانست (رشیدی، ۱۳۷۴: ۷۳).

طرح مسئله

تمدن ها، از هجرت ها پا گرفته اند، اندیشه ها، با حرکت و جابه جایی رشد و بالندگی یافته اند. بسیاری هجرت گران و سیاحان بزرگی که بذر اندیشه و دین خود را در دورترین نقاط زمین افشاندند. و سال های بعد روییده و رشد کرده و به بار نشسته است. در هر سرزمینی که آمد و شد مهاجران و هجرتگران زیاد بوده مدنیت و تمدن از دل خاک آن سرزمین روییده و در شهر و دیاری که چنین تکاپویی نبوده، در سکوت فرو رفته و پژمرده شده اند. امروزه با وجود پیشرفت شگفت انگیز صنعت ارتباطات، و آسانی دستیابی انسان امروزه، به دانش ها و تجربه ها و فرهنگ های بشری، شوق و علاقه جهانگردی ، نه تنها کم نشده بلکه رشد فزاینده ای داشته و به عنوان یک صنعت در جامعه های بشری و رشته علمی از علوم انسانی جای خود را در میان دانش ها پیدا نموده است.

کاوشگری و تنوع طلبی انسان ها را از این سوی جهان به آن سوی جهان می کشاند. انسان می خواهد خود به گونه ای مستقیم و بی واسطه با حقایق هستی آشنا شود. این است که جهانگردی و گردشگری در دینای امروز، جایگاه خود را همچنان حفظ کرده و از مهمترین راه های صدور فرهنگ ها شناخته می شود (نجفی، ۱۳۷۶: ۵).

اکنون این سوال مطرح است که جایگاه گردشگری در فقه و در دیدگاه اسلامی چگونه است؟ آیا این موضوع اولاً در متون اسلامی (اعم از قرآن و سایر متون) مطرح شده است؟ و اگر مطرح شده چه اهمیتی برای آن قایل شده اند؟ و ثانیاً در سیره معصومین (ع) و همچنین در اندیشه و رفتار فقیهان این موضوع چه جایگاهی داشته است؟ در این تحقیق تلاش شده است تا به این سوالات پاسخ داده شده و از این منظر مروری گذرا بر جایگاه گردشگری در فقه صورت پذیرد.

مفهوم و تعریف گردشگری

طبق تعریف سازمان جهانی گردشگری (W.T.O) گردشگر، توریست یا سیاح شخصی است که به کشور یا شهری غیر از محیط زیست عادی خود برای مدتی کمتر از ۲۴ ساعت و بیشتر از ۱ سال نباشد سفر کند و قصد او از سفر تفریح، استراحت، ورزش، دیدار اقوام و دوستان، کسب و کار، مأموریت، شرکت در سمینار یا کنفرانس، معالجه، مطالعه، تحقیق یا فعالیت های مذهبی باشد. اصطلاح گردشگری معمولاً در مسافرت های برون مرزی و دیدار از کشورهای دیگر بکار برده می شود و حال آنکه مسافرت به رفت و برگشت های کوتاه مدت و کم مسافت مانند رفتن از شهری به شهر دیگر اطلاق می شود (رشیدی، همان).

۱- تبیین مفاهیم

واژه سیاحت: از ماده «سَیَحَ» و «سیاحت» به معنی گردش توأم با آرامش و مهلت است. یکی از واژه هایی که در رابطه با گردشگری و جهان گردی در قرآن مطرح شده است واژه سیاحت است. در معنای این واژه گفته شده حرکت و جریانی که همراه با تدبیر و تفکر باشد. بنابراین اگر به آب روان «سیح» گفته می شود به این دلیل است که آب جاری نرم و آرام راه می گشاید و به پیش می رود. پس حرکت انسان ها اگر بر اساس اندیشه و توجه و وظیفه شناسی باشد، با این نگرش در خطاب آیه شریفه که می گوید: «فسیحونی الارض» نکته ای ظریف و لطیف نهفته است. کلمه مسیح نیز از این واژه گرفته شده به معنای سائح و گردشگر است و سیاح صیغه مبالغه از ساح می باشد و معادل فارسی آن جهانگرد و جهان گردنده می باشد و به آن کسی گویند که در اکناف عالم بسیار سفر کند.

حضرت عیسی (ع) نیز به مسیح معروف شد چرا که همواره در زمین سیر می کرد و سیاحت مشغول بود تا هم با شگفتی های آفرینش آشنایی بیشتری پیدا کند و هم در راه هدایت بندگان خداوند گام بنهد و هم از بدخواهان گریخته و به دیدار نیکان توفیق یابد (یعقوبی، ۱۳۷۶: ۷۷).

واژه سیر: در لسان العرب واژه «سَیَّرُ» به ذهاب یعنی آمد و شد (رفت و آمد) معنا شده است. در فرهنگ های فارسی (فرهنگ معین) سیر به معنای حرکت کردن، گردش کردن، تفرج و تتبع و کنجکاوری آمده است. سائح: روان و جاری: «سَیَحَ» عرب ها به آب جاری که پیوسته در حال جریان است سائح گویند به همین مناسبت به کسی که همواره در سفر و گردش است سائح و سیاح گفته می شود (ثواب، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۰).

۲- گردشگری در دین اسلام

سیر و سیاحت در مکتب اسلام جایگاه ویژه ای دارد و بر اساس رهنمودهای فراوانی که در منابع دینی وجود دارد مسلمانان به گردشگری و سیاحت تشویق شده اند. یکی از ضروریات زندگی اجتماعی از آغاز آفرینش تا کنون برقراری ارتباط از راه های مختلف

بوده است سیر و سیاحت مهمترین و مؤثرترین عامل جهت برقراری ارتباط در زمینه های مختلف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است.

سفر، حقیقت زندگی است و زندگی خود یک سفر. انسان همیشه در گذر از دیروز به امروز و از امروز به فرداست. امروزه با گسترش جوامع بشری یکی از راه های کاهش پیامدهای این پدیده، اهمیت به سیر و سیاحت در جهت پرورش و رشد شخصیت اخلاقی و فرهنگی و ظهور شخصیت حقیقی انسانهاست.

آشنایی با رهنمودهای دین مبین اسلام درباره اهمیت و آداب سیر و سیاحت، عبرت گرفتن از سفرهای تاریخی پیامبران الهی و ملت های پیشین و آگاهی از ابعاد آفاقی و انفسی سفر در زمینه های مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باعث می شود کمالات روحی و خوی های اخلاقی افراد بارور و واقعیت آشکار شود و حجاب های ظاهری و باطنی کنار رود (ثواقب، همان: ۲۰).

۳- پیشینه تاریخی

قرآن کریم مهمترین اثری است که در آیات فراوانی، به اهمیت سیر و سفر و آثار آن اشاره می کند و آگاهی های اولیه در اختیار پژوهشگر قرار می دهد پس از آن نهج البلاغه به سفر تاریخی، یعنی تأمل در سرگذشت اقوام پیشینی برای عبرت اندوزی تأکید کرده و به یکی از جنبه های مهم سیر و سفر پرداخته است (ثواقب، همان: ۱۵).

از مسائلی که در طول تاریخ همواره مورد توجه و اهتمام بشر بوده، سیاحت و جهانگردی است. جهان گردان و سیاحان که امروزه نام «توریست» به خود گرفته اند با هدف های گوناگون اجتماعی، فرهنگی سیاسی، اقتصادی ... با همه دشواری ها که بر سر راه جهانگردی وجود داشته، تا آن جا که ممکن بوده به دور دست ترین نقاط کره زمین و سرزمین ها و شهر ها سفر می کردند.

از آن جا که علاقه به سیر و سفر و آگاهی نسبت به سرزمین ها، ملت ها و فرهنگ ها از نیازهای وجود انسان و مایه تعالی و ترقی جوامع انسانی است و منشأ یک سلسله آثار مثبت و سازنده در زندگی بشر است. اسلام نیز آن را مورد حمایت قرار داده و در آیات و روایات، باب سیر و سفر به جاهای دور دست کره زمین بلکه فراتر از آن را بر روی مسلمانان باز اعلام کرده است (حسینی، ۱۳۷۶: ۲۶۰).

از نظر تاریخی به اشراف زادگان فرانسوی که برای تحصیل و کسب تجربیات زندگی به سفر می رفتند گردشگر می گفتند. اصطلاح توریست با گردشگر از قرن نوزدهم معمول شد. بعدها در فرانسه این اصطلاح برای کسانی به کار بردند که برای سرگرمی و گذراندن اوقات فراغت به فرانسه سفر می کردند به اینگونه سفرها بعداً گردشگری اطلاق شد و در سطح جهان به کار رفت البته اینگونه نبوده که گردشگری در قرن نوزدهم وجود داشته قبلاً بوده منتها به عنوان یک صنعت به آن نگاه نمی شد.

۴- گردشگری از منظر قرآن

قرآن کتابی است جامع و فراگیر که به عنوان منبع بنیادین، جوابگوی سؤالات و ابهامات انسان می باشد هر محققى از هر زاویه و افقى به این گنجینه خداوند نگاه کند به مقصود و مطلوب مورد نظر خود دست پیدا می کند (یعقوبی، همان: ۷۸).

آیات قرآن پیرامون سیر و سیاحت گاهی به صورت امری و گاهی به صورت استفهامی آمده اند .

الف (آیاتی که به شکل دستوری و امری آمده اند:

در قرآن کریم در بیش از ۶ آیه فرمان به سیر در زمین ، جهت عبرت از سرگذشت پیشینیان و آگاهی از چگونگی آفرینش می دهد همچنانکه در سوره آل عمران آیه ۱۳۷ فرموده : فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین.

« در روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کننده گان چگونه بوده است.».

قرآن مجید دورانهای گذشته را با زمان حاضر و زمان حاضر را با تاریخ گذشته پیوندی دهد، و پیوند فکری و فرهنگی نسل حاضر را با گذشتگان برای درک حقایق لازم و ضروری می داند زیرا از ارتباط و گره خوردن گذشته و حاضر وظیفه و مسئولیت آیندگان روشن می شود. قبل از آیه ی فوق خداوند می فرماید: «قد خلت من قبلکم سنن فسیروا...» «خداوند سنت هایی در اقوام گذشته داشته که این سنن هرگز جنبه اختصاصی ندارد و به صورت یک سلسله قوانین حیاتی درباره همگان اجرا می شود.»

آری تاریخ برای هر قومی اهمیت حیاتی دارد ،تاریخ خصوصیات اخلاقی و کارهای نیک و بد و تفکرات گذشتگان را برای ما بازگو می کند و علل سقوط و سعادت جامعه ها را در اعصار و قرون مختلف نشان می هد و در حقیقت تاریخ گذشتگان آینه ی زندگی روحی و معنوی جامعه های بشری و هشدارى ست برای آیندگان.

به همین جهت قرآن مجید به مسلمانان دستور می دهد: «بروید در روی زمین بگردید و در آثار پیشینیان و ملت های گذشته و زمام داران دقت کنید و بنگرید پایان کار آنها که کافر شدند و پیامبران خدا را تکذیب کردند به کجا رسید.»

آثار گذشتگان، حوادث پند دهنده ای برای آینده گان است و مردم می توانند با استفاده از آنها از مسیر حیات و زندگی صحیح آگاه شوند (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ۲۳).

ما در این زندگی محدود و گذرا اگر به مقوله تجربه دقت نکنیم و از تجربه دیگران استفاده نکنیم بهای هنگفتی را خواهیم پرداخت چرا که وقت ما تنگ است و اگر قرار باشد همه چیز را خودمان تجربه کنیم نمی توانیم به موفقیت های بزرگ دست پیدا کنیم پس ناچاریم در زندگی گذشته گان و اطرافیان دقت کرده و از نتایج تلاش آنها بهره برده و اشتباهاتی را که احیاناً مرتکب شده اند تکرار نکنیم و موفقیت هایی را که داشته اند سر لوحه زندگی خود قرار دهیم. در چنین صورتی است که می توانیم از وقت محدود خود نهایت استفاده را بنماییم.

همچنین در سوره انعام آیه ۱۱ با همین مضمون آمده است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ».

باز سفارش به دقت در سرنوشت و عاقبت تکذیب کنندگان شده است.

که در این آیه با آمدن قل سیرو، تأکید بر این مطلب بیشتر احساس می شود.

همچنین در ادامه آیه ۳۶ سوره نحل، دقیقاً همین آیه تکرار شده: « فسیرو فی الارض فانظرو کیف کان عاقبه المکذبین». که باز دلیل بر اهمیت این موضوع می باشد. در سوره نمل آیه ۶۹ « قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ بگو در روی زمین سیر کنید و ببینید سرانجام مجرمان چگونه بود».

خداوند در سوره عنکبوت آیه ۲۰ فرموده: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» ای پیامبر به مردم بگو در زمین سیر کنید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرده است. شبیه همین مضمون در سوره روم آیه ۴۲ می فرماید: « قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ».

« بگو در زمین سیر کنید و به سرانجام گذشتگان که بیشتر آنان مشرک بودند بنگرید». مطالعه یک سطر از این تاریخهای زنده معادل مطالعه یک کتاب قطور تاریخی است و اثری که این مطالعه و اثری که این مطالعه در بیداری روح و جان بشر دارد با هیچ چیز دیگر برابری نمی کند.

(ب) آیاتی که به صورت سؤالی، پرسشی آمده اند:

در قرآن بیش از هفت آیه به گونه استفهام، به سیر در زمین فرا می خواند تا آثار پیشینان دیده شود و افراد از آن عبرت گیرند. در سوره فاطر آیه ۴۴ می فرماید: أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا. « آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟ همانها که از اینان نیرومند تر بودند نه چیزی در آسمان ها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت به یقین او دانا و تواناست». اگر اینها چنین تصور کنند که از آنان نیرومند ترند سخت در اشتباه اند، چرا که آنها از اینها قویتر و پر قدرت تر بودند، به علاوه انسانها هر قدر نیرومند و قوی باشند قدرت آنها در برابر قدرت خداوند صفر است، چرا که به قول قرآن کریم نه چیزی در آسمان، نه در زمین، از حوزه قدرت او فرار نخواهد کرد، و او را عاجز و ناتوان نخواهد ساخت (مکارم شیرازی، همان: ۲۹۸).

بارها در قرآن مجید به این مطلب بر خورد می کنیم که خداوند افراد بی ایمان و سرکش را به سیر در زمین و مشاهده آثار اقوامی که گرفتار عذاب الهی شده اند دعوت می کند.

در آیه ۹ سوره روم چنین آمده است. « وَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أَتَارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»

«آیا در زمین سیر نکردندا ببینند عاقبت کسانی که بیش از آنها بودند چگونه بود؟ آنها نیرومندتر از اینها بودند، و بیش از اینها در زمین کشتزارو کاخ و عمارت بر افراشتند، و بیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند اما آنها انکار کردند و به عذاب الهی گرفتار شدند، خداوند هرگز به آنها ستم نکرد ولی آنها به خود ستم کردند».

آری تاریخ برای هر قومی اهمیت حیاتی دارد، تاریخ خصوصیات اخلاقی و کارهای نیک و بد و تفکرات گذشتگان را برای ما باز گو می کند و در حقیقت تاریخ گذشتگان آینه زندگی روحی و معنوی جامعه های بشری برای آیندگان است.

در سوره حج آیه ۴۶ فرموده: *أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ.*

«آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل هایی داشته باشند که با آن درک کنند یا گوش هایی که با آن بشنوند؟ زیرا چشم های ظاهر نابینا نمی شوند بلکه دلهایی که در سینه هاست کور می شود».

قرآن کریم در این آیه چشم باطن را از چشم ظاهر تفکیک نموده، می فرماید چه بسیار کسانی که ظاهرا چشم بینا و گوش شنوا دارند اما در واقع کور و کرند . یعنی چشم قلبشان کور شده و حقایق را درک نمی کنند.

از اینجا این مطلب روشن میشود که اگر نگرش با تعقل و تدبر صورت نگیرد با ندیدن برابری می کند و مشابه همین آیه در سوره غافر آیه ۲۱ می فرماید.

«أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ آثَاراً فِي الْأَرْضِ.»

«آیا در زمین سیر نمی کنند تا عاقبت کار پیشینیان را که از اینها تعدادشان بیشتر و بسیار قوی تر و آثار بیشتری روی زمین داشتند، مشاهده کنند؟»

این تاریخ مدون نیست که در اصالت و صحت آن تردید شود، این تاریخ زنده ای است که با زبان بی زبانی فریاد می کشد، ویرانه های قصرهای تبهکاران، شهرهای بلا دیده سرکشان، استخوانهای پوسیده خفتگان در دل خاک، کاخهای مدفون شده در زمین، جمله های کوبنده ای هستند که تاریخ واقعی را بی کم و کاست شرح می دهند.

سپس می افزاید: «آنها کسانی بودند که در قدرت و به وجود آوردن آثار مهمی در زمین از اینها (مشرکان) نیرومندتر بودند» (مکارم، همان: ۷).

همچنین در سوره محمد (ص) در آیات دهم و یازدهم آمده است، *«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ أَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ.»*

«آیا در زمین سیر نمی کنند تا عاقبت کار پیشینیان را مشاهده کنند که چگونه خداوند همه آنها را نابود کرد و اینگونه برای کافران است. این بدان سبب است که خدا سرپرست مؤمنان است و کافران هیچ سرپرستی ندارند».

سپس برای اینکه مشرکان گمان نکنند سرنوشت دردناکی که برای امتهای طغیانگر پیشین بوده جنبه خصوصی داشته، می‌افزاید: «و برای مشرکان و کافران نیز امثال این مجازاتها خواهد بود» یعنی مشرکان انتظار نداشته باشند که با انجام اعمال مشابه آنها از کیفرهای مشابه مصون و بر کنار بمانند، بروند آثار گذشتگان را بنگرند و آینده خود را در آئینه زندگی آنها ببینند (مکارم، همان: ۴۲۸). این آیات با طرح سؤال و پرسش در ذهن انسان و برانگیختن آنان برای سیر و سیاحت در اطراف جهان و با نکوهش کافران که از این امر مهم سرباز زدند نکته و مسئله مهمی را مطرح می‌نماید که برای پی بردن به سنت‌های الهی تنها به مطالعه آثار پرداختن کافی نیست بلکه باید با تأمل و ژرف اندیشی در آن آثار پرداخت تا به رمز و راز عوامل پیشرفت و ترقی تمدن‌ها آگاه شد و همچنین به علل انحطاط و فروپاشی و سقوط آنان پی برده از آن درس عبرت گرفت. و برای پویایی فرهنگ و تمدن خود تجربه کسب نمود.

با یک نگاه ساده ابتدا این چنین قلمداد می‌شود که مخاطب این آیات تنها کافران و تکذیب‌کنندگان حق می‌باشند ولی با یک دقت نظر پی می‌بریم که مخاطب این بیانات همه انسان‌ها مخصوصاً همه پرهیزکاران است یعنی در عین حال که جنبه همگانی دارند تنها پرهیزکاران و افراد تیزبین از آن الهام می‌گیرند و هدایت می‌شوند. نکته دیگر اینکه در بیان این آیات نه تنها مسئله سیر و سفر تشویق و ترغیب شده بلکه آن را به پیروان خود امر نموده و فرموده، سیروا، انظروا ... حال این اوامر چه مولوی باشد چه ارشادی چه وجوبی و چه استحبابی، همه مخاطبان اعم از مؤمن و کافر را مخاطب ساخته است. لذا بر مسلمانان لازم و ضروری است آن را جدی بگیرند تا به ثمرات و فواید آن دست یابند (ثواقب، همان: ۳۷).

۶- گردشگری در سیره معصومین علیهم السلام

یکی از منابع اثبات حکم شرعی سیره و رفتار معصومین است یعنی اینکه اگر پیامبر (ص) یا ائمه (ع) در بیان حکم مسئله‌ای سخن گفته باشند آن حکم حجت است و اگر معصومان کاری را انجام و یا ترک کنند این رفتار ایشان دلیل بر جایز یا حرام بودن آن عمل می‌باشد.

همچنین اگر مردم زمان عصر معصومین (ع) برکاری مداومت داشته و آن کار را در حضور پیامبر (ص) و امامان انجام می‌داده‌اند و از جانب آنان اعتراض نشده باشد و در واقع سکوت نموده‌اند این سکوت دلیل بر رضایت ایشان بر آن عمل است و آن عمل موافق شرع می‌باشد و سکوت معصوم دلیل می‌باشد. چرا که اگر غیر از این بود ایشان مخالفت می‌نمودند همانطور که در مواردی که با اعمال مردم موفق نبودند اعتراض خود را اعلام می‌نمودند (رضوی، ۱۳۷۶: ۱۲۷).

تحقیق و بررسی در تاریخ اسلام نشانگر آن است که گردشگری در سیر معصومین جایگاه ویژه‌ای داشته است.

همانطور که قرآن کریم در آیات متعدد، پیروان خود را به سیر و سیاحت و گردشگری در زمین با اهداف روشن فراخوانده است پیشوایان دین نیز با الهام از آموزه های وحی، گردشگری را با عبارت های متعدد ستوده اند و پیروان خود را به آن تشویق نموده اند.

۷- گردشگری از منظر پیامبر (ص)

پیامبرگرامی(ص) علاوه بر سفرهایی که پیش از بعثت داشتند، پس از بعثت، با انبوه مشکلات و کارهای سیاسی و اجتماعی، در فرصت های بدست آمده، مسلمانان را به گشت و گذار می بردند. تا مردم از نزدیک با آفریده های خداوند و میراث امت های پیشین و رویدادهای گذشته آشنا شوند و برایمان و باورهای آنان افزوده گردد.

به عنوان نمونه دیدار از وادی حجر، سرزمین قوم ثمود بود که از تمدن دنیا بهره های شایان برده بودند.

خداوند صالح پیامبر را در میانشان برانگیخت آنان از دستور او سرپیچی کردند و سرانجام دچار عذاب شدند اکنون در یک منزلی وادی القری در حجاز آثار بسیاری از تمدن از میان رفته باستانی وجود دارد که باستان شناسان آن را از بقایای قوم ثمود می دانند (رضوی، همان: ۳۴۷).

شخص پیامبر (ص) که خود اسوه حسنه الهی در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی بشر است، در سفرهای فراوانی که داشته اند مسئله سفر را به گونه ای عملی و عینی در کارها و گفتار خویش بیان کرده اند و به پیروی از ایشان ائمه (ع) همین شیوه را پی ریخته اند و تکالیف مسافر را قبل و بعد و هنگام سفر به زیبایی طرح نموده اند. که به اختصار به آن اشاره می شود.

۱- مدح سفر در امور خیر و مباح و ذم آن در امور خمر مباح

۲- منافع مادی و معنوی سفر

۳- زمان های پسندیده و نکوهیده سفر

۴- انتخاب رفیق و همسفر و مشورت با او و پرهیز از سفر به تنهایی

۵- صدقه دادن، دعا، نیایش، نماز، استعاذه و وصیت هنگام سفر

۶- خوش برخوردی و اخلاق نیکو در طول سفر

۷- همراه داشتن وسایل و لوازم ضروری در سفر

۸- گذشت، کمک به همسفران و جوانمردی در سفر

۹- بدرقه و استقبال از مسافر و وظیفه مردم در برابر مسافر

۱۰- آداب برگشت از سفر

۱۱- آداب سفر زیارتی، سفر دریایی، سفر زمینی

پیامبر (ص) در وصیتی به حضرت علی (ع) مسافرت را کار انسان های عاقل در جهت بهبود زندگی و تهیه زاد و توشه اخروی و آسایش و لذت حلال بیان نموده اند و می فرمایند:

«یا علی لاینبغی للعاقل ان یکون ظاعنا الا فی ثلاث : مرمه لمعاش؛ او تزود لمعاد اولذة فی غیر محرّم». «انسان عاقل شایسته نیست که مسافرت کند مگر برای سه امر: بهبود وضعیت زندگی، تهیه توشه اخری، لذت، تفریح و شادکامی حلال».

همچنین در فرمایشی دیگر پیامبر می فرمایند: «غفل الناس من یتعظّ الدنیامین حال الی حال» غافل ترین مردم کسی است که از گذشت روزگار و تاریخ درس عبرت نگیرد.

در اینجا مناسب است به سخن پیامبر (ص) در مورد موسی (ع) شنیدن بسان دیدن نیست، خدا به موسی خبر داد قومت گمراه شدند و او پاره های تورات را از دست نیفکند چون آن را با چشم دید الواح را از دست فرو افکند (رضوی، همان).
عبرت آموزی از سرگذشت پیشینیان چنان در سر نوشت انسان برای دست یا بی به راه هدایت و سعادت، مهم است که خداوند سبحان به صراحت به پیامبرگرمی اسلام (ص) می فرماید: سرگذشت پیشینیان را برای بندگانش بازگو نماید تا به خود آیند و بیندیشند: فاقص القصص لعلهم یتفکرون «چرا که در سرگذشت آنان عبرتی برای صاحبان اندیشه است. «لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الباب...» در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرت است (ثواقب، همان: ۵۷).

۸- گردشگری از منظرائمه (ع)

علی (ع) در خطبه های متعددی به تدبیر و تعقل و عبرت آموزی اشاره نموده اند. از جمله: «فاتعظوا بالعبر و اعتبروا بالغیر و انتفعوا بالتدبر» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶: ۴۹۶) «از عبرت ها پند گیرید و از دگرگونی ها عبرت پذیرید و از بیم دهندگان بهره برید».

و در جایی دیگر فرموده اند: «وان لکم فی القرون السالفة لعیبة»

«به راستی که برای شما در تاریخ امتهای پیشین درس های عبرت آموزی است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱: ۱۵۹۴).

علی (ع) گردشگری را مفید و انسان ساز شمرده و کسب دانش و آشنایی با سرزمین ها را از پیامدهای مثبت سفر شمرده است. درسیره آن حضرت سیاحت های گوناگونی دیده می شود که نمایانگر ارج آن جناب به سیاحت در جهان است.

۹- علی (ع) در دیدار از ایوان کسری

مدائن، مرکز حکومت ایران بود که شکوه و زیبایی آن زبازد عرب و عجم بود و تشریفات و تجملات خیره کننده آن هر تازه واردی را به شگفتی وا می داشت. مدائن در دوره عمر به دست سپاه اسلام افتاد. پاره شدن نامه پیامبر (ص) توسط خسرو پرویز در مدائن و بی اعتنایی زمامداران مسلمان به زر و زیورهای دنیوی سبب شد که از کاخ های شاهان مراقبت جدی صورت نگیرد. بلکه کاخ کسری به همان صورتی که به دست مسلمانان افتاده بود به روی همگان باز باشد تا علاوه بر نشان دادن حکومت پوشالی ساسانیان، عبرتی برای معاصران و نسل های بعدی باشد. علی (ع) در سفر به صفین در عبور از مدائن، به دیدن کاخ کسری رفت.

«امیر مؤمنان به همراه دلف بن ابی مجیر، در سفر به مدائن به ایوان کسری آمد. در آن جا نماز خواند پس از نماز برخاست و به دلف گفت با من همراهی کن. دلف با جماعتی از مردم ساباط با امام حرکت کردند امام در رواق و دالان های کاخ کسری دور می زد و به دلف از ویژگی های آن مناطق و جایگاهها سخن می گفت.»

علی (ع) به سیر حوادث بشر، تاریخ پیامبران گذشته علاقه مند بود. اخبار آنان را از دانایان پیش از خود می پرسید. امام فرزندش حسن را به کاوش در رویدادهای گذشتگان و استفاده از تجربیات آنان دعوت کرده است. آن حضرت در سیاحت ها تلاش می کرد از تجربه های سیاسی و اجتماعی ملت های دیگر با خبر گردد و از آن در زندگی استفاده نماید. با بررسی منابع دینی یافت می شود که انواع سفر، از جمله سفرهای سیاحتی تجارتي، سیاحت های تفریحی و سفرهای زیارتی و سیاحتی مورد رضایت امامان (ع) بوده تنها آن دسته از سفرهای تفریحی نظر امامان ناپسند بوده که سفر با لهو و لعب و اسراف همراه باشد.

پیروان اهل بیت، علاوه بر زیارت پیامبر به دیدن امامان و یا زیارت مزارشان اهتمام ویژه داشته مسائل دینی را از ایشان می پرسیدند و واجبات مالی خود را ادا می کردند و خط مشی سیاسی خود را از آنان الهام می گرفتند.

از دوران امام سجاد (ع) تا زمان غیبت جاده ها همواره شاهد عبور کاروان های زائران بوده است و این اعتقاد در بین شیعیان ریشه داشته که حج با زیارت امام کامل می شود. دوران امام باقر (ع) و امام صادق شاهد گسترش این سفرها بوده است پس از شهادت امامان مزارشان میعادگاه عاشقان بوده بویژه امام حسین (ع) نماد مبارزه با ستم شمرده می شد. جابر بن عبد... انصاری اندکی پس از شهادت امام به کربلا رفت و بعد از آن توأبین که در میانشان گروه زیادی از صحابه و تابعین بودند در کنار تربت امام در مبارزه علیه ظلم پیمان خون بستند (رضوی، همان).

۱۰- مسائل فقهی و حقوقی گردشگری

آنچه که تا به حال بحث گردید درباره گردشگری از دیدگاه قرآن و سنت بوده است و اینک می خواهیم بپردازیم به مشروع بودن گردشگری و احکام فقهی آن.

حکم بسیاری از کارها، در حالت طبیعی و موقعیت عادی، اباحه و روا بودن است. همین کارها به خاطر رخداد برخی امور عارضی و موقعیتهای غیر طبیعی، حکم دیگری مانند واجب بودن و حرام بودن، پیدا کند.

در نتیجه جهانگردی هم به عنوان کاری که از مکلف سر می زند، احکامی متفاوت دارد، جهانگردی در وضعیت معمولی، امری مطلوب، بلکه به سبب فواید بسیار آن، یکی از مستحبات مورد تاکید شارع است. همین امر مستحب، در صورتی که مصلحت های مهم جامعه و نظام اسلامی ایجاب کند، می تواند در مورد بعضی از مسلمانان، حکم وجوب پیدا نماید مانند اینکه مقابله با توطئه ها و نقشه های سیاسی، نظامی و فرهنگی دشمنان اسلام، ایجاب کند کارشناسانی از ممالک اسلامی، به منظور آشنایی با برنامه ها و نقشه های دشمنان به کشورهای آنان سفر نماید.

در واقع با توجه به نکات گفته شده هیچ شکی در مشروع بودن گردشگری باقی نمی ماند ولی از آنجا که ممکن است برخی دچار وسواس شده و بنابه دلایلی باز شدن پای کافران به بلاد اسلامی را تهدیدی علیه ارزشها و مقدسات اسلامی و فرهنگ ملی و امنیت مسلمانان بدانند شایسته است به پاره ای نکات درباره مشروع بودن گردشگری اشاره نمائیم.

از نصوص بدست آمده در باب های معاملاتی و تجارت این اصل مهم استفاده می شود که مبنای شارع مقدس در این مورد تأیید می باشد تا جایی که باعث فساد و تباهی جامعه نشود مورد تأیید و تشویق شریعت است.

نکته دوم هنگام ورود گردشگران به کشورهای اسلام با آنها قرارداد بسته می شود و آنان همراه با روایت و گذرنامه وارد دارالاسلام می شوند بی شک التزام و عمل کردن به این قراردادها بر دولت اسلامی و شهروندان مسلمان واجب است. حکومت اسلامی از آنان به عنوان حق عبور و مرور و در برابر فراهم کردن و ایجاد تسهیلات برای آنان مالیات می ستاند و این کار را می توان از جمله اختیارات حاکم اسلامی دانست.

برتری مسلمان از غیر مسلمان: بر اساس نوشته ها مسلمانان باید در تمام ابعاد فرهنگی سیاسی، اقتصادی و نظامی به صورت برتر و نیرومند از غیر مسلمان باشند به گونه ای که اقتدار و استقلال آنان در همه ی زمینه ها فراهم آید. (سوره نساء آیه ۱۴۱) وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا : و خداوند هرگز برای کافران راهی برای چیرگی بر مؤمنان قرار نداده. و باز خداوند در قرآن کریم فرموده «وَاللَّهُ الْعَزِيزُ الرَّسُولُ و للمؤمنين» (سوره منافقون، آیه ۸) : «عزت از آن خدا و رسول او و مؤمنین است».

در نتیجه تمام روابط مسلمانان با غیر مسلمانان باید از موضع قدرت و برتری باشد و مسلمان همواره عزیز می باشد.

۱۱- گردشگری و جهانگردی فقیهانه

اسلام دین جهانی است، عالمانی و فقیهانی باید در این مکتب پرورش یابند که پاسخ گوی نیازهای مردم در سطح جهان باشند. برای دستیابی به این هدف علاوه بر دانش های حوزوی، آشنایی با فرهنگ ها و آداب و رسوم کشورهای مختلف یک امر ضروری می باشد.

پس برای نیل به این امر مهم فقیه ناچار باید به سیر و سفر بپردازد.

از این رو عالمان تیزبین، فقهای دور اندیش، برای سیر و سیاحت و گردشگری حتی هزینه کردن بیت المال را نیز روا می دانستند. علامه امینی، پس از بازگشت از سفر هند می گویند.

«من اگر مرجع بودم و وجوهات شرعی به دست من می رسید، همه را به طلاب می دادم، تا سفر کنند، حرکت کنند. می گفتم: این هزینه، بروید جهان و انسان را بشناسید.» (میری، ۱۳۷۶: ۳۸۰).

برخی از دانشوران و فقیهان تیزنگر، دستاوردهای خود را بویژه در باب سیر و سیاحت به نگارش کشیده اند. از جمله :

۱ - شیخ زین الدین علی عاملی معروف به شیخ ثانی (۹۱۱-۹۶۵ هـ.ق) از فقهای برجسته شیعه، برای دیدار شخصیت های علمی شیعه و سنی، به مراکز دانش بسیاری سفر نموده از جمله - دمشق - مصر - حجاز - بیت المقدس - ایتالیا - عراق.

۲- بهاء الدین محمد معروف به شیخ بهائی (۹۵۳ - ۱۰۳۰ هـ ق) در هفت سالگی همراه پدرش به ایران سفر کرد به گفته بسیاری از شرح حال نگاران شیخ بهائی بیش از ۳۰ سال از عمر خود را به جهانگردی و گردشگری به سر برد.

۳- سید حسن مدرس (۱۲۸۷ - ۱۳۵۶ هـ ق) فقیه ژرف اندیش، سیاستمدار قرن، در سفر تحصیلی به عراق (نجف اشرف) در ایام تعطیل، برای دیار از آثار باستانی و تاریخی به اطراف نجف می رفت در آن جا از نزدیک با کار کاوشگران آثار باستانی در تماس بود و به کار آنان به دقت می نگریست (میری، همان: ۳۸۹).

۱۲- سیره معصومان (ع) در برخورد با جهانگردان

برخورد پیامبر و امامان علیه السلام و نیز رابطه جامعه اسلامی معاصرشان با جهانگردان، مانند رابطه میزبان با میهمان بوده است. غیر از آن گروه از سیاحان که برای جاسوسی وارد سرزمین اسلامی می شدند سایر جهانگردانی که برای پژوهش و تحقیق در مسائل فرهنگی و اعتقادی یا کسب دانش و با گشت و گذار وارد حوزه اسلام می شدند. در امنیت کامل بود و در مدت اقامت در سرزمین اسلام سیر و سیاحت می کردند. بعد از پیامبر آمد و شد گردشگران به مراکز اسلامی بیشتر شد. سیاحان که بش تر اهل کتاب بودند برای پژوهش و تحقیق به مدینه می آمدند و مسلمانان بویژه امام علی (ع) با آنان دیدار می نمود و درباره اسلام و دیگر ادیان با یکدیگر گفتگو می کردند.

امام رضا (ع) نیز در خراسان با جهانگردان بسیاری که برای آشنایی با اسلام و یا تبلیغ مکتب خود به حوزه اسلام آمده بودند مانند جاثلیق و نسطاص رومی گفتگو فرموده، این گفتگو در انتشار اسلام در خراسان و سرزمین های اطراف آن بسیار موثر بوده است. همچنین در مجلس منصور دوانیقی امام صادق (ع) با جهانگرد هندی که در پزشکی سررشته داشت برخورد کرد و درباره مسائل کلامی با او گفت گو کرد. جهانگرد هندی در پایان ملاقات امام مسلمان شد (رضوی، ۱۳۷۶: ۳۷۵-۳۷۶).

اسلام به عنوان یک دین جهانی جامع و جاودانه همه انسانها را در عرصه بین المللی از هر نژاد و قومی با هر زبان و فرهنگی، جزء اعضاء خانواده جهانی خویش می داند و همه ملت ها را مخاطب دستورات خود قرار می دهد و اصل پیوند و ارتباط بین همه انسانها را بر اساس خیر خواهی و احسان و نیکی امری پسندیده و شایسته می داند و همه انسان ها را به صلح و دوری از هر گونه تجاوز و سلطه جویی فرا می خواند.

برای جایز بودن معاشرت مسلمانان با کافران، دلیل هایی در کتاب و سنت موجود می باشد. خداوند در سوره انفال آیه ۹ فرموده است: «وان جنحوا لِّلْسَلْم فاجنح لهما و توکل علی الله انه هو السميع العليم».

«هرگاه دشمنان به صلح و همزیستی گراییدند تو نیز به آن بگراو بر خدا توکل کن زیرا اوست شنوای دانا».

۱۳- گردشگری در کشورهای اسلامی

امروزه مسئله گردشگری به عنوان یک صنعت اشتغال زا مورد توجه می باشد. بنابراین هر کشوری می کوشد تا با جلب گردشگران بیشتر درآمد بیشتری کسب نماید. بدون شک رونق گرفتن این صنعت در کشورهای اسلامی که حکومت آنان مبتنی بر دین می

باشد باید راهکارهای لازم را در این زمینه انجام دهد و باید روابط خود را با کشورهای دیگر چنان تنظیم نماید که علاوه بر اینکه از این صنعت پر درآمد برخوردار شود بلکه بتواند فرهنگ غنی خود را نیز به کشورهای دیگر صادر نماید. در وهله اول باید دید که آیا داشتن رابطه با کشورهای اسلامی در دین مبین اسلام چگونه است و حدود شرایط آن چگونه معین شده است؟

باید گفت اصل داشتن رابطه با جهان کفر می باشد در صورتی که این روابط بر خلاف مصلحت نظام و حکومت اسلامی نباشد چرا که انسان ها همه اعضای خانواده بزرگ بشری هستند و به حکم ضرورت زندگی اجتماعی، در بسیاری از امور با هم شریک هستند. اگرچه اسلام کفر و شرک را رد می کند و آن را باطل می داند ولی این بدان معنی نیست که هرگونه ارتباط با آنها را نفی نماید چرا که اصل برداشتن رابطه مسالمت آمیز و دوستانه می باشد مگر آنکه تعرضی از جانب آنها صورت بگیرد و مال و جان مسلمانان را تهدید نماید که در این صورت جهاد و مقابله با آنان امری ضروری است.

اسلام همواره دعوت به صلح و دوستی می کند خداوند در قرآن می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا ادخلو فی السلم کافئاً و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین». «ای کسانی که ایمان آورده اید همگان به صلح و آشتی در آید و پای به جای پای شیطان مگذارید که او دشمن آشکار شماست».

۱۴- حقوق گردشگران غیر مسلمان در کشورهای اسلامی

در فقه اسلامی از پذیرش جهانگردان و گردشگران غیر مسلمان به داخل بلاد اسلامی منعی نشده و این امر جایز می باشد چرا که در صدر اسلام نیز این امر متداولی بوده است.

لذا با توجه به آنچه در فقه اسلامی آمده، در فرض مصلحت، برابر با تشخیص حاکم اسلامی و دست اندرکاران سیاست خارجی، با همه گروههای غیر مسلمان می توان قرار داد و پیمان صلح بست و همان گونه که از قرآن و روایات استفاده می شود اگر کافران حربی به صلح گرایش داشته باشند و قصد توطئه علیه مسلمانان را نداشته باشند و پذیرفتن پیشنهاد صلح با آنان به صلاح و سود مسلمانان باشد اعلام موافقت و پذیرش صلح با آنان بایستی قرار داد رسمی بلامانع خواهد بود (حسینی، ۱۳۷۶: ۲۴۸).

۱۵- وظیفه غیر مسلمانان در کشور اسلامی

غیر مسلمانان نیز در کشور و جامعه اسلامی به عنوان اقلیتهای مذهبی و شهروند و یا به عنوان بازرگان، سفیر، جهانگرد در برابر امت و جامعه اسلامی یک سلسله محدودیتهایی و وظایفی دارند که ملزم به رعایت آنها می باشند.

الف- حق هیچگونه جاسوسی و توطئه و فتنه گری را ندارند.

ب- حق هیچگونه تعرض و مزاحمت نسبت به جان و مال مسلمانان را ندارند.

ج- ضمن برخورداری از آزادی در اموال شخصی خود و برگزاری مراسم مذهبی که مذهب و آیین آنها روا و جایز می‌داند باید حرمت حریم جامعه اسلامی را نگه دارند. و هیچگاه مجاز نیستند کارهایی را که در شریعت آنها جایز، ولی در شریعت اسلام ممنوع و حرام است آشکارا انجام دهند و در صورت تظاهر به اینگونه اعمال برابر قانون با آنان رفتار خواهد شد (حسینی، همان: ۲۴۵).

۱۶- دستاوردهای گردشگری

۱. عبرت آموزی: دیدن نشانه‌های به جای مانده جباران و گردنکشان مانند، فرعون و نمرود از اهداف گردشگران مسلمان بوده است کسانی که به فرموده امیرمؤمنان لشگرها ساخته و کاخها بنا کردند. و اینک جز نامی زشت برایشان باقی نمانده است. همانطور که پیامبر(ص) می‌فرماید: «اغفل الناس من امّ یَتَعَطَّ الدنیا من حال الی حال». غافل ترین مردم کسی است که از گذشت روزگار وقایع درس عبرت نگیرد.

۲. دیدن وقایع از نزدیک: بازدید از بستر ظهور اسلام، صحنه‌های نبرد اسلام و کفر، آرامگاه پیامبر و خاندان از مواردی است که پژوهشگران اسلام را به خود کشانده است. علاقه مندان و دلدادگان از راههای دور بار سفر می‌بندند و با آمدن به این مراکز قدسی سرگذشت اسلام و قرآن را از نزدیک لمس می‌کنند، و روح و جسم خود را با گذشته خویش پیوند می‌دهند. در اینجا مناسب است به سخن پیامبر(ص) در مورد موسی (ع) شنیدن بسان دیدن نیست، خدا به موسی خبر داد قومت گمراه شدند و او پاره‌های تورات را از دست نیفکند چون آن را با چشم دید الواح را از دست فرو افکند (رضوی، همان).

۳. دانش پژوهی: بخش بزرگی از سیاحت‌های مسلمانان را به خود اختصاص داده، طالبان از دورترین نقاط عالم به مراکز دانش می‌آمدند و از این طرف عالمان برای رساندن پیام اسلام راهی مناطق دوردست می‌شدند، آنان با رفتن به میان ملت‌ها، شرایط سیاسی و اجتماع و فرهنگ مردم را شناخته و با اطلاع از داده‌هایی که بدون سیاحت ممکن نبود پیام دین را در بین مردم منتشر می‌نمودند.

در واقع یکی از مسافرت‌هایی که در اسلام بدان سفارش فراوان شده، سفر علمی است. اسلام، طلب علم را بر مردان و زنان مسلمان واجب دانسته و دانش آموختن و کسب معارف دینی را از ارکان اساسی سعادت انسانها به شمار آورده است و بین تشویق و ترغیب تا مرحله وجودت همگانی آن مورد تأکید واقع شده است تا آنجا که پیامبر(ص) فرموده‌اند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، إِلَّا إِنْ اللَّهُ يَحِبُّ بُغَاءَ الْعِلْمِ». طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است آگاه باشید که خداوند بر بندگان دانش را دوست دارد.

و در جای دیگر پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ فِي كُلِّ حَالٍ». کسب علم و دانش در هر حالی واجب است (ثواقب، همان: ۸۶).

با تحقیق و بررسی متون دینی، احادیث فراوانی در زمینه مسافرت‌های علمی یافت می‌گردد. بدین ترتیب با تشویق و ترغیب قرآن و سنت، مسافرت‌های علمی برای فراگیری دانش و انتشار آن در میان مردم از همان روزهای آغاز اسلام گسترش یافت و به گواه تاریخ بسیاری از میراث‌های علمی و یادگارهای گرانقدر دانشمندان اسلامی ره آورد سفرهای پرمشقت و طاقت فرسای اهل علم و دانش است که توانسته است تلخی‌ها و شیرینی‌های مسافرت را تجربه کنند و از جمله کسانی که برای تحصیل علم رنج‌های طاقت

فرسای سفر را متحمل شدند جابر بن عبدالله انصاری رحمه الله علیه صحابی شریف پیامبر (ص) می باشد که برای شنیدن حدیثی درباره «مظالم» از عبدالله بن انیس انصاری، رنج یک ماه سفر به سوی شام را تحمل کرد. همچنین ابو ایوب انصاری، برای شنیدن مستقیم حدیثی از عقبه بن عامر راهی مصر شد و پس از شنیدن آن حدیث بدون آنکه از مرکب خود بار گشاید به مدینه بازمی گردد (ثواب، همان: ۱۹۳).

نتیجه گیری

یکی از موضوعات مطرح شده در قرآن کریم، برای کشف حقایق هستی و رسیدن به کمال و رشد، مسئله سیر و سیاحت می باشد که با بررسی ابعاد و جوانب این مسئله در کتاب آسمانی قرآن، و کتب حدیثی نتیجه می گیریم:

قرآن کریم سیر و سیاحت را وسیله خدانشناسی، خودشناسی و جهان شناسی معرفی نموده تا بدین وسیله آیات و نشانه های حق بر انسانها نمایان گردد.

آیات قرآن با استفاده از دو مقوله تشویق و عناب مسئله سیر و سیاحت را در ابعاد دینی و اجتماعی از جمله جهاد، هجرت، علم آموزی، عبرت آموزی... را مورد تأکید و اهمیت قرار داده است.

قرآن کریم با بیان سرگذشت زندگانی انبیاء و اولیای الهی و رویدادهای مهمی از جمله مبعوث شدن به رسالت دریافت وحی، آشنایی با قوانین و حقایق هستی، که حاصل سیر و سیاحت می باشد. و با معرفی الگوهای موفق و حسنۀ الهی در بیان حقایق، صبر و استقامت و کفر ستیزی را بیان می نماید در قرآن کریم حدود ۶ آیه امر به سیر و سیاحت می کنند و ۷ آیه در قرآن ترک سفر توسط کافران و معاندان را با پرسش، مورد نکوهش و عناب قرار می دهد. و همچنین آیات متعددی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم نمونه هایی از اشخاص، اعم از انبیای الهی و دیگر افراد شایسته، امت ها و اقوام گذشته را الگوی جهانگردی و سیاحت معرفی می کند. همچنین تأکید قرآن بر مسئله سیر و سیاحت جهت شناخت حقایق هستی، بیانگر این مطلب است که سیر و سیاحت یکی از راههای شناخت حسی است که از این طریق انسان با مشاهده و دقت در طبیعت و قوانین موجود در آن به حقایق هستی شناخت و آگاهی پیدا می کند.

خلاصه سخن اینکه تعالیم اسلامی هم اهداف مادی و هم اهداف معنوی را در نظر گرفته است تعالیم اسلام هدف از جهانگردی و همچنین هدف از پذیرش جهانگردان سایر جوامع را به دقت بیان نموده و در مورد نادیده گرفتن اهداف آن هشدار داده است. بنابراین مسلمانان باید با توجه به توانایی های بالقوه و بالفعل مذهبی، علمی، اقتصادی فرهنگی... دامنه ارتباطات خود را گسترش داده و از تفرقه که زاییده فکر، استعمارگران است به شدت بپرهیزند و با وحدت و یکپارچگی جهت تحقق اهداف عالییه اسلام در سراسر جهان تلاش نمایند.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه

۳. ثواقب، جهانبخش. رحمانی، محمدجواد (۱۳۸۸). سیر و سیاحت در قرآن، تهران: انتشارات بوستان کتاب

۴. حسینی، سید احمد (۱۳۷۶). «حقوق گردشگران غیر مسلمان در کشورهای اسلامی»، فصلنامه فقه ۱۴، تهران: صص ۲۴۵

۲۶۵

۵. رشیدی، محمدرضا (۱۳۷۴). «گردشگری و محدودیت زنان از دیدگاه اسلام». فصلنامه فقه شماره ۱۴، تهران: صص ۷۳-۹۳

۶. رضوی، سید عباس (۱۳۷۶). «گردشگری در سیره معصومان (ع) و ابرار»، فصلنامه فقه ۱۴، تهران: صص ۱۲۰-۱۴۰

۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۰۰)، تفسیر نمونه، جلد ۱۸، تهران: اهل بیت

۸. میری، سید عباس (۱۳۷۶). «فقیهان جهانگرد» فصلنامه فقه ۱۴، تهران: صص ۳۸۰ - ۳۹۷

۹. نجفی، محمدحسن (۱۳۷۶). «سیر در آفاق نکته ها و بایسته ها». فصلنامه فقه، شماره ۱۴، تهران: صص ۶-۲۶.

۱۰. یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۷۶). «گردشگری در قرآن». فصلنامه فقه شماره ۱۴، تهران: صص ۷۷ - ۹۷